

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

نعیم سلیمی - کابل / افغانستان
۰۸ مارچ ۲۰۲۱



نعیم سلیمی

جایگاه واقعی هشتم مارچ در تاریخ جنبش انقلابی زنان



در یک عبارت مختصر که هم مبتدا و در عین حال هم خبر و نتیجه گیری این نوشته را تشکیل می دهد ، باید یاد آور شد که ما بار دیگر در آستانه تجلیل از هشتم مارچ دیگری ، جشن بین المللی زنان کارگر ، قرار داریم ، روزی که از میان جنبش سوسیالیستی قرن نهم سر بیرون نمود و پا به عرصه وجود گذاشت و با دگرگونی های انقلابی سال ۱۹۱۷ روسیه ، به گونه " ثابت " داخل تقویم انقلابی جهانی گردید.

اما در زمان حاضر دولت ها ، سازمان های بین المللی ، از جمله ملل متحد ، رسانه های جمعی و طبقات حاکم قدرت کشور های مختلف سرمایه داری ، از جمله افغانستان که این رسانه ها در خدمت آن ها قرار دارد ، سعی می نمایند تا اصالت هشت مارچ را انکار نموده و از تعلق آن به جنبش جهانی سوسیالیستی اغماض به عمل آورند و با نام گذاری آن به "روز جهانی زنان" این روز را از محتوای انقلابی و طبقاتی آن تهی سازند ، اما یاد آوری ازین روز لاجرم مستلزم یاد دهانی از مبارزه تاریخی زنان علیه استبداد ، بیداد و در عین زمان استثمار و بهره کشی کاپیتالیسم از کار مزدوری

می باشد که نمی توان آن را مجزا از مقاومت طبقات محروم جامعه و زنان کارگر در برابر استعمار، امپریالیسم، بردگی، نژاد پرستی، تبعیض نژادی و جنسیتی و پدر سالاری، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. گسترش سرمایه داری و همراه با آن تولید کارخانه ئی، فروپاشی نقش سنتی کلیسا، کم رنگ شدن کار خانه و آشپزخانه و نگهداری اطفال را که جامعه کهنه دهقانی برای زنان در قریه ها و قصبه ها در یک ساختار فئودالی در حال زوال، نگهداری می نمود، آغازگر شد.

با ظهور و پیدایش جنبش کارگری سازمان یافته در قرن نهم بشریت شاهد شکل گیری نقش رزمنده و پیگیر زنان در فراسوی اقیانوس اطلس بود که تولد یک عصر کاملاً تازه ای را بشارت می داد که براساس آن زنان بخش فعالی را در تولید اجتماعی ایفاء می نمودند. کارل مارکس درین مورد طی نامه ای به یک تن از سوسیالیست های معاصرش در آن زمان به نام کوگلمن Kugelmann در رابطه با مبارزات سترگ زنان در جریان انقلاب فرانسه می نویسد: « کسی که چیزی را از تاریخ بفهمد می داند که تغییرات اجتماعی بزرگ، بدون خیزش و رستاخیز زنان میسر نیست. »

ایجاد بخش نمایندگی زنان در انجمن بین الملل اول کارگران در سال ۱۸۷۱ از جانب مارکس و انگلس مورد تشویق و ترغیب قرار گرفت که در بخش بزرگی از اروپای آن زمان به تناسب امروز، شرایط عقب مانده ای در رابطه با برتری طلبی مردان در جامعه نسبت به زنان، مستولی بود؛ در چنین یک شرایطی، آگست بیل August Bebel یکی از هواخواهان مارکس و انگلس و بنیانگذار جنبش سوسیالیستی در المان، از تمامی سوسیالیست ها دعوت به عمل آورد تا در برابر گرایشات تبعیض جنسیتی در میان جنبش کارگری، مبارزه نمایند و از همه جالبتر این است که در چنین ماحول و فرصتی با همه تضاد های برخاسته از نظام سرمایه داری شخصیت بزرگ انقلابی روزا لوکزامبورگ به مثابه یکی از رهبران جنبش سوسیالیستی اواخر قرن نهم و اوایل قرن بیستم سر بیرون کرد که با تمامی گرایش های منفی فرصت طلبانه و آشتی جویانه در میان جنبش سوسیالیستی، مبارزه می نمود.

در اوایل روش خاصی مشهور به آژیتاسیون، وسیله تأثیر گذاری سیاسی بالای توده های مردم از طریق گفتمان، سخنرانی، انتشار کتاب ها و مقالات تبلیغی از جانب سوسیال دموکرات ها در مورد مسأله زنان مطرح گردید که دیگر سوسیالیست های اروپائی و سازمانهای آنارشیستی چنین کاری را بعدتر در نیمه دوم قرن ۱۹ روی دست گرفتند. تنها در جرمنی قبل از جنگ جهانی اول، نشریه های مختص به زنان سوسیال دموکراسی جرمنی که بیشتر از یکصد هزار (۱۰۰,۰۰۰) مشترک داشت با تالیف آثاری از جانب نویسنده ناموری بنام Clara Zetkin کلارا ز تکین، وجود داشت.

«در سال ۱۹۱۰، کلارا ز تکین در جریان کنفرانس بین الملل دوم در کپنهاگن دنمارک برای یکصد هیأت نمایندگی از ۱۷ کشور پیشنهاد تجلیل از روز بین المللی زنان کارگر را مطرح ساخت. مناسبت این موضوع عبارت از رویدادی بود که در سال ۱۹۰۹ به وقوع پیوست و به نام "قیام ۲۰۰۰۰ (بیست هزار) نفری" که در آن هزاران تن از کارگران لباس دوزی در ایالات متحده امریکا برای ازدیاد دستمزد های کارگری و دسترسی به حقوق تشکل اتحادیه ئی دست به اعتصاب زده بودند، شهرت پیدا نمود.

در سال ۱۹۱۰ فراخوان دیگری برای مبارزه با بهبود شرایط زندگی، امحاء کار مزدوری کودکان و حق رأی دهی صورت گرفت. در روشنائی این رویداد ها، حزب سوسیالیست ایالات متحده امریکا موافقت نمود تا آخرین یکشنبه ماه فروری را به نام "روز ملی زنان" نامگذاری نماید. زنان کارگر جهان قطعنامه ای را به تصویب رساندند و دست به یک ابتکار عمل آغازین بین المللی زدند. به تاریخ ۱۹ مارچ ۱۹۱۰، میلیون ها کارگر در سراسر جهان برای دسترسی به یک شرایط زندگی خوب با یاد آوری از انقلاب های ۱۸۴۸ به خیابان ها سرازیر شدند.

در سالین ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ قبل از درگیری جنگ جهانی اول میلیون ها زن در ماه مارچ علیه خشونت حکومت های امپریالیستی و جنگ دست به اعتراض زدند . در کشور های روسیه و جرمنی ، ازین روز به طور رسمی به تاریخ هشتم مارچ به مثابه روز زن تجلیل به عمل می آمد .

در همین روز (۸ مارچ) ، در سال ۱۹۱۷ جنبش گسترده زنان خواستار دریافت نان گردیدند و به سرعت چنین خواستی مبدل به مطالبه های بطلان شاهی ، رد جنگ و به صورت قطع به یک درگیری انقلابی انجامید که به دودمان سلطنتی رومانوف (سلسله اشرافی قدرتمند روسیه آن زمان / پ ن) خاتمه بخشید .

به دنبال پیروزی انقلاب اکتوبر در روسیه کمیساریای مردمی برای رفاه اجتماعی ، به طور رسمی ۸ مارچ را که به روز زن مبدل شود ، اعلان نمود . « (مکسیکو : ۸ - ۹ مارچ ، مبارزه علیه خشونت جنسی و سرمایه داری ، نشریه در دفاع از مارکسیسم ، لیگ انقلابی زنان ، ۹ مارچ ۲۰۲۰)

آنچه را که در حاشیه این مطلب می خواهم یاد آور شوم این است که در نتیجه درگیری های انقلابی که از آن یاد آوری گردید به تاریخ ۲۳ فیروزی [هشتم مارچ در تقویم نوین] جرقه انقلاب از پتروگراد که در آن زمان به نام سنپترزبورگ یاد می شد ، از جانب زنان کارگر صنعت نساجی آغاز گردید و در نتیجه ۹۰,۰۰۰ کارگر اعم از زن و مرد دست به اعتصاب زدند و این شاهکار تاریخی " فتح بزرگ " به کهن ترین ساختار استبدادی در اروپا خاتمه داد و به رسمیت شناختن تجلیل سالیانه هشت مارچ را برای گرامیداشت از مبارزات طبقه کارگر به خاطر تحقق حقوق بحق آن ، با گذشت هر سال و هر دهه ، تا امروز سکه زد . همچنان لازم به یاد آوری است که در نتیجه و دنباله همان پیروزی بزرگ برای بار اول در تاریخ اولین زن داخل کابینه حکومتی شده و به سمت کمیسار رفاه اجتماعی تعیین گردید . این زن یک بانویی بود به نام الکساندرا کولونتای ، انقلابی بلشویکی ، فعال و مبارز حقوق زنان و سیاستمدار شوروی که بعد ها به سمت اولین سفیر و دیپلمات زن در جهان نیز شهرت یافت .

با این مروری مختصر و کوتاه به تاریخ جنبش انقلابی زنان و جایگاه هشتم مارچ در آن متأسفانه باید یاد آور شوم که بعد از گذشت سالیان متمادی باز هم در یک بحث کلی کارگر زنان افغانستان و جهان ، چه کارگران جسمی و چه هم ذهنی ، هنوز نتوانسته خود را از دایره نفوذ ایدئولوژی کاذب سرمایه داری ، خانه - آشپزخانه - کلیسا و یا مدرسه رها سازند و از یک طبقه در خود به یک طبقه برای خودشان مبدل شوند .

البته که وضعیت زنان در کشور های پیشرفته سرمایه داری نسبت به افغانستان و سایر زنان که در کشور های جهان سومی به سر می برند در زمینه دسترسی به حقوق و امتیازات شان متفاوت تر و بهتر می باشد . زیرا که درین کشور ها حضور و تشکل گسترده تر آن ها در اتحادیه ها و سایر تشکیلات و سازمانهای متعلق به زنان توانسته است در کوتاه مدت چتر حمایتی قانونی نسبی را در برابر استثمار « برهنه » سرمایه داری فراهم سازد .

اما افغانستان کشوری است کاملاً متفاوت که فضاء و محیط اجتماعی - سیاسی آن در طی دو دهه سلطه دموکراسی لیبرال سرمایه داری از یکطرف و چهار دهه جنگ از جانب دیگر با دود ، آتش و خاکستر انباشته شده است . خلاف حضور تشریفاتی و سمبولیک زنان در ادارات دولتی به حیث وزیر ، وکیل ، سفیر و ، تصویر متفاوتی را از جمعیت میلیونی زنان و کودکان کارگر که سر شماری دقیق آن متأسفانه بنا بر موجودیت وضعیت جنگی در دسترس نیست ، ترسیم می نماید که حکایتی از بینوایان قرن بیست و یکم را در زمان فراوانی نعمت های مادی در جهان برای ما تداعی می نماید .

بامداد بینوایان کابل و سایر شهر های بزرگ وطن با عزا داری و صغیر انفجار های خونین آغاز شده و با سر خوردن و مواجه شدن بدون توقف و ادبیت کننده با جمعیت گسترده بیشمار گدائی گر زنان که کودکان خود شان ، خویشاوندان و

یا دیگران را به گونه کرائی به منظور گدائی و امرار معاش در روی خیابانها در سرد ترین روز های زمستان و گرم ترین گرمای تابستان به نمایش می گذارند ، خاتمه پیدا می نماید.

بنا برین تجلیل از هشتم مارچ که هر سال به شیوه تشریفاتی در روز های قبل از فرا رسیدن این مناسبت از جانب ارباب و حکام پوشالی سرمایه داری افغانستان محافل شان داری را برپا می کنند ، در حقیقت نه تجلیل از هشتم مارچ یعنی روز رهایی زنان از اشکال ستم اجتماعی ، بلکه نیشخندیست در برابر گرامیداشت ازین روز بزرگ .

در پایان می خواهیم یاد آور شوم که درین نوشته بیشترین توجه به جایگاه تاریخی ۸ مارچ صورت گرفت و یک تصویر کلی از افغانستان برای خواننده پیشکش گردید که ایجاب می نماید دیگران در مورد وضعیت زنان کشور در کل و مطالبات کارگر زنان به طور اخص، مقاله های بیشتر تحلیلی را بیرون دهند .

در یک جمله کوتاه می شود گفت : « تغییر موقف زنان از ریشه و بنیاد زمانی امکان دارد که تمامی شرایط اجتماعی ، فامیلی و خانوادگی هستی وجودی دگرگون شود. »

(تروتسکی ، زنان و خانواده ، ص ۴۵)

*فرخنده باد هشتم مارچ ، روز بین المللی زنان کارگر!

*سرنگون باد سرمایه داری و کار مزدوری سرمایه!

*هشتم مارچ را از چهار دیواری قصرها و حصار های سرمایه داری بیرون نموده و بایسته است تا آن را در میان

کارخانه ها ، مردم و اهرم پائینی جامعه ببریم!